

مطالعه تطبیقی الزامات حاکم بر خدمات توزیع در سازمان جهانی تجارت با ایران

محسن صادقی* - محمد راستی**

چکیده:

مهم‌ترین قواعد و اصول سازمان جهانی تجارت در بخش خدمات توزیع، در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گتس) درج شده است. کشورهایی که هدفشان عضویت در سازمان جهانی تجارت است، مکلف هستند تا ساختار حقوقی و اقتصادی خود را در بخش خدمات توزیع، با اصول گتس سازگار نمایند و در زمینه‌هایی که اصول این سند، انعطاف‌پذیر است، استثنائاتی متناسب با نیازهای توسعه‌ای خود را بر این اصول وارد کنند، چون تفاوت بخش خدمات با کالا در این است که برخی اصول گتس در حوزه خدمات مانند خدمات مورد بحث، اصولی انعطاف‌پذیر بوده و کشورهای متقاضی می‌توانند در زمان مذاکرات الحاق، معافیت‌ها و استثنائاتی را بر این اصول وارد نمایند؛ اما این الزامات و استثنائات کدام‌اند؟ و آیا مقررات بخش توزیع با این الزامات همخوانی دارد؟ تجربه کشورهای پیوسته تا چه حد به گروه مذاکره‌ای ما اجازه گرفتن امتیاز و استثنا بر الزامات سازمان را می‌دهد؟ از آنجا که این موضوع مهم، تاکنون مورد توجه علمی و کاربردی قرار نگرفته و ایران نیز به عنوان عضو ناظر این سازمان مکلف است تا از هم‌اکنون مغایرت‌های حقوقی خود را در بخش توزیع شناسایی کند و راهکارهای لازم را برای رفع مغایرت‌های موجود بیندیشد؛ این مقاله درصدد است تا ضمن برشماری مغایرت‌های کشور با اصول گتس در حوزه مزبور و اشاره به تجربه ۲۵ دولت ملحق شده به سازمان جهانی تجارت، راهکارهای روشن و کاربردی را به قانونگذار و گروه مذاکره‌ای ایران ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها:

سازمان جهانی تجارت، گتس، خدمات توزیع، کشورهای الحاقی، ایران.

مجله پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۲، نیمسال دوم ۱۳۹۲
صفحه ۵-۲۸، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۷/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه حقوق اقتصادی
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. نویسنده مسؤول.
Email: sadeghilaw@ut.ac.ir

** عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
Email: m.rasti@itsr.ir

مقدمه

با افزایش نقش خدمات در تجارت بین‌الملل، به تدریج گرایش کشورهای، بخصوص کشورهای توسعه یافته به سمت آزادسازی تجارت خدمات سوق یافت، زیرا از یک طرف، برای تحقق هدف آزادسازی تجارت - که در پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی به تفکر اصلی اقتصادی دنیا بدل شده بود - نیاز به وضع قواعد خاص تجارت خدمات نیز بود؛ چون در آن زمان، یک سلسله موانع بر سر راه تجارت خدمات وجود داشت که بر آزادسازی تجارت جهانی اثر منفی می‌گذاشت؛ از سوی دیگر موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^۱ فقط حاوی مقرراتی در زمینه حذف موانع غیر تعرفه‌ای و کاهش موانع تعرفه‌ای در حوزه تجارت کالا بود. بنابراین نیاز بازار جهانی و خلأ گات موجب شد تا در مذاکرات دور اروگوئه در سال‌های (۱۹۸۶-۱۹۹۳)^۲ کشورهای شرکت‌کننده در مذاکرات، موافقتنامه‌ای را با عنوان موافقتنامه عمومی تجارت خدمات یا گتس^۳ تنظیم کنند که در آن^۴ یک سلسله اصول و تعهدات کلی برای انواع مختلف تجارت خدمات^۵ مقرر شده و کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی مکلف به رعایت آنها شده‌اند.^۶ در میان اقسام تجارت خدمات مشمول گتس، خدمات توزیع^۷ یکی از حساس‌ترین و تأثیرگذارترین خدمات در سطح بین‌المللی است و عبارت است از مجموعه خدمات تجاری مشتمل بر فرایندهای موجود بین تولید تا مصرف. علت آنکه تهیه‌کنندگان گتس، خدمات توزیع را نیز در شمار خدمات مشمول این سند قرار داده‌اند آن بوده است:

1. General Agreement on Tariff & Trade (GATT)

2. Uruguay Round

این دور، معروف‌ترین دور اصلاح گات است که در «پانتا دل استه» اروگوئه انجام گرفت و در نتیجه آن، سازمان تجارت جهانی (WTO) تأسیس و جایگزین گات شد. برای آشنایی با سایر دوره‌های اصلاح گات و مطالعه آن، نک: اسفندیار امیدبخش، «از موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان تجارت جهانی»، مندرج در مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵).

3. General Agreement on Trade in Services (GATS)

۴. این موافقتنامه از دو بخش اصلی به شرح زیر تشکیل می‌شود: بخش یکم، شامل متن موافقتنامه عمومی تجارت خدمات به همراه ضمایم آن است و بخش دوم، شامل طبقه‌بندی سازمان تجارت جهانی در مورد بخش‌های خدمات است و جزء لاینفک موافقتنامه است. متن موافقتنامه، خود از شش قسمت تشکیل شده است: حوزه شمول و تعریف (ماده ۱)، تعهدات کلی (مواد ۲-۱۵)، تعهدات خاص (مواد ۱۶-۱۸)، آزادسازی تدریجی (مواد ۱۹-۲۱)، مقررات نهادی (مواد ۲۲-۲۶)، مقررات پایانی (مواد ۲۷-۲۹). گتس همچنین شامل ضمایمی است که مطابق ماده ۲۹ گتس، جزء لاینفک موافقتنامه بوده و به برخی از موضوع‌های تحت شمول اختصاص یافته و حاوی مقرراتی‌اند که به‌طور مشخص نمی‌پذیرد این موضوع‌ها، چگونه و تحت چه شرایطی اعمال می‌شوند.

۵. خدمات بازرگانی، ارتباطات، ساخت و مهندسی، «توزیع»، آموزش محیط زیست، «خدمات مالی»، بهداشت، گردشگری و مسافرت، خدمات تفریحی ورزشی، حمل‌ونقل و سایر خدمات، خدمات تجاری مشمول گتس‌اند. مرکز تجارت بین‌المللی آنکتاد و (WTO)، نک: مسعود کمالی، میترا نصیری، تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳).

۶. امیدبخش، پیشین.

7. Distribution Services

نخست اینکه این خطر وجود داشت که بخش خصوصی با ایجاد انحصار در بازار خدمات توزیع، آزادسازی سایر بخش‌های خدماتی و حتی بخش‌های کالایی را نیز تحت‌الشعاع قرار دهند و در این میان، نبود قواعد و تعهدات بین‌المللی مشخص و شفاف، می‌توانست این خطر را تشدید کند؛

دوم آنکه تولیدکنندگان به دنبال هدف کسب سود و مصرف‌کنندگان در پی کسب مطلوبیت و رضایتمندی هستند. پیوند و اتصال این دو گروه در تهیه و ارائه کالا منجر به تشکیل بازار می‌شود. در گذشته - که حجم مبادلات کم و مکان جغرافیایی مبادله محدود بود - اطلاع از نیازهای مصرف‌کنندگان و ارائه کالا یا خدمت به آنها با سرعت و کمترین هزینه مبادله انجام می‌گرفت؛ اما با پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی، رکن سومی به دو رکن پیشین اضافه شد که رکن توزیع است و اهمیت آن از بُعد جهانی شدن اقتصاد بسیار بیشتر شده است.

در این میان و با لازم‌الاجرا شدن گتس از سال ۱۹۹۵، کشورهای که درصدد الحاق به سازمان جهانی تجارت^۱ هستند، مکلف شدند ساختار حقوقی و اقتصادی خود را در زمینه خدمات توزیع با اصول کلی مقرر در این موافقتنامه سازگار نمایند. این موضوع به رغم اهمیت فراوانش تاکنون مورد توجه علمی و کاربردی قرار نگرفته و حتی مقاله مستقلی به این موضوع اختصاص نیافته، ولی نوشتار حاضر برای رفع نسبی خلأ تحقیقات در این زمینه، به آثار الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت خواهد پرداخت. نتایج این نوشتار از چند حیث اهمیت دارد:

یکم - برخی قوانین و مقررات کشور ما در زمینه خدمات توزیع با اصول گتس مغایرت داشته و کشور ما به عنوان ناظر سازمان جهانی تجارت^۲ باید از هم اکنون و تا قبل از الحاق دائم یا رسمی به این سازمان، مغایرت‌ها را شناسایی و رفع کند؛ همچنان که قانونگذار کشوری مثل ویتنام، ده سال پیش از الحاق به سازمان مذکور، اقدام به تصویب قوانین منطبق با اصول تجارت جهانی کرد.^۳ پیرو این ضرورت، در این مقاله برخی قوانین مغایر ایران شناسایی شده و نحوه رفع مغایرت آن به قانونگذار پیشنهاد می‌شود؛

دوم - یکی از تفاوت‌های حوزه کالا با حوزه خدمات در این است که برخی اصول و تعهدات حوزه خدمات برخلاف حوزه کالا، قابل انعطاف بوده و می‌توان بر آنها استثنائاتی وارد

1. World Trade Organization

۲. ایران در ۵ خرداد ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان تجارت جهانی درآمده است. عضو ناظر هر چند می‌تواند در نشست‌های سازمان شرکت کند، اما برخلاف عضو دائمی یا رسمی، حق رأی ندارد.

۳. از نمونه این قوانین می‌توان به قانون بانک‌های دولتی و مؤسسات اعتباری مصوب دسامبر سال ۱۹۹۷ (Law on State Bank and Law on Credit Institutions) اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر در مورد آثار حقوقی و اقتصادی الحاق ویتنام به سازمان تجارت جهانی؛ نک: Khac Ke Phung, *WTO Accession and Banking Reform in Vietnam*, (11) Paper presented in: SBV, Available at: siteresources.worldbank.org/INTRANETTRADE/.../vietbanking_ke.pdf:1-6; last visited: 01/10/2012.

و امتیازاتی را تحصیل کرد؛ بنابراین گروه مذاکراتی الحاق ایران به این سازمان، می‌توانند بر اساس نتایج این مقاله، با بعضی از امتیازات و استثنائاتی آشنا شوند که احتمال تحصیل آن به نفع ایران وجود دارد؛

سوم - اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی و خارجی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر با خدمات توزیع هستند، می‌توانند با فضای خدمات توزیع ایران پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت آشنا شوند؛ برای نمونه بنگاه‌های عمده فروش ایرانی برای افزایش قدرت رقابتی خود با بنگاه‌های خارجی و شعب آنها - که احتمالاً در آینده و پس از الحاق در کشور ما مستقر می‌شوند - از هم اکنون خود را آماده سازند.

برای دستیابی به نتایج فوق، این مقاله در دو بخش ارائه خواهد شد: در بخش نخست، مهم‌ترین اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی در حوزه خدمات توزیع تبیین خواهد شد و از آنجا که این اصول در یکی از موافقتنامه‌های این سازمان به نام گتس مقرر شده است، پس اصول مندرج در این سند مورد نظر ما خواهد بود و تجربه کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در بخش دوم و برای افزایش جنبه کاربردی مقاله، اهم مقررات توزیع ایران که با اصول گتس مغایرت دارند، مشخص شده و راهکار مناسب به قانونگذار و گروه مذاکراتی ایران پیشنهاد می‌شود. گفته می‌شود که از میان اعضای کنونی سازمان جهانی تجارت بسیاری از کشورها از قبل عضو گات بوده و در سال ۱۹۹۵ و به دنبال تأسیس سازمان جهانی تجارت خودکار عضو این سازمان شده‌اند که این دسته مورد توجه ما نیستند و فقط ۲۵ کشوری که از سال ۱۹۹۵ تاکنون به سازمان ملحق شده‌اند، در این مقاله مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته‌اند. کشور روسیه نیز که در ژانویه سال ۲۰۱۲ به عضویت سازمان درآمد، در این مطالعه تطبیقی نمی‌گنجد، چراکه جدول تعهدات این کشور هنوز از طریق سایت سازمان در دسترس عموم قرار نگرفته است.

بخش نخست - بررسی اهم اصول حاکم بر خدمات توزیع بر اساس مقررات گتس سازمان تجارت جهانی برای تبیین بهتر و منسجم‌تر اصول گتس در حوزه خدمات توزیع، مطالب این بخش را به دو قسمت تقسیم کرده‌ایم: در قسمت یکم، اهداف و قلمرو شمول گتس در بخش خدمات توزیع را تشریح می‌کنیم و در قسمت دوم، مفاد اصول را بیان خواهیم نمود:

قسمت یکم - اهداف و قلمرو شمول گتس در بخش خدمات توزیع

گتس در بخش خدمات توزیع، درصد دستیابی به اهدافی چون افزایش تجارت و آزادسازی هر چه بیشتر در این بخش، ایجاد شفافیت و حمایت از ارائه‌دهندگان خدمات توزیع

خارجی، افزایش رقابت بین‌المللی از روش‌هایی نظیر تعدد گزینه‌ها برای صادرات خدمات توزیع، بهبود کیفیت خدمات مزبور و افزایش قدرت رقابتی و خلاقیت در ارائه خدمات این حوزه است. نکته کلیدی این است که گستره گنس محدود به خدمات توزیعی است که با هدف تجاری انجام گیرد و بخصوص جنبه بین‌المللی داشته باشد؛ بنابراین خدمات توزیع غیرتجاری و نیز خدمات توزیع داخلی، از مشمول اصول و تعهدات گنس خارج هستند؛ اما خدمات توزیع بین‌المللی از منظر گنس (مستنبط از بند ۲ ماده ۱) به خدماتی اطلاق می‌شود که به یکی از چهار شیوه زیر انجام گیرد:^۱

۱. شیوه عبور از مرز:^۲ در این شیوه، خدمات توزیع، مستقل از عرضه‌کننده یا مشتری، از قلمرو یک کشور عضو به مقصد قلمرو عضو دیگر ارائه می‌شود. برای مثال، یک عمده‌فروش خارجی، برخی خدماتش را از یک کشور به مقصد کشور دیگر عرضه می‌دارد.
۲. شیوه مصرف در خارج:^۳ بر اساس این شیوه، مشتری از مرز عبور می‌کند و در کشوری که خدمت توزیع در آن عرضه می‌شود، حضور می‌یابد. برای مثال، مشتری برای برخورداری از تسهیلات خاص در زمینه حق‌العمل‌کاری، ناگزیر از حضور در کشور خارجی است.
۳. شیوه حضور تجاری:^۴ با استنباط از بند (د) ماده ۲۸ گنس^۵ باید گفت که در این شیوه، عرضه‌کننده خدمات توزیع، یک شعبه یا دفتر نمایندگی عرضه‌کننده خارجی است که در داخل یک کشور عضو، مستقر بوده و تحت ضوابط داخل این کشور، فعالیت می‌کند و می‌تواند کارکنان داخلی استخدام نماید مانند بنگاه عرضه‌کننده خدمات فرانشیز^۶ که به نوعی

1. Gkoutzinis Apostolos, "International Trade in Banking Services and the Role of the WTO: Discussing the Legal Framework and Policy Objectives of the General Agreement on Trade in Services and the Current State of Play in the Doha Round of Trade Negotiations", *The International Lawyer*, VOL. 39, NO. 4, 2005, p.881.

2. Cross-Border Supply

3. Consumption Abroad

4. Commercial Presence

۵. مطابق بند (د) ماده ۲۸ گنس، «حضور تجاری عبارت است از هر نوع تأسیس بازرگانی یا حرفه‌ای از جمله از طریق زیر در قلمرو یک عضو به منظور عرضه یک خدمت است:

۱. تشکیل، در اختیار گرفتن یا حفظ یک شخص حقوقی؛

۲. یا ایجاد یا حفظ یک شعبه یا دفتر نمایندگی.»

۶. فرانشیز نوعی از کسب‌وکار است که بر اساس آن به یک شرکت اختیار داده می‌شود که تولیدات یا محصولات شرکت دیگر را را بفروشد و در قبال آن مبلغی دریافت کند که به این مبلغ، مبلغ فرانشیز می‌گویند؛ اما در مقوله بازاریابی، فرانشیز یک شبکه ارتباطی بین کسب‌وکارهای مستقل کوچک است که به هر یک از این کسب‌وکارهای کوچک اجازه می‌دهد که با یک نام تجاری مشترک و یک هویت فعالیت کنند و همگی از یک شیوه موفق (که قبلاً آزمایش شده) و بازاریابی مشترک استفاده کنند. در عمل فرانشیز دقیقاً یک استراتژی کسب‌وکار است برای جذب و نگهداری مشتری، نه بیشتر نه کمتر! یک سیستم بازاریابی است که هدف آن ایجاد یک تصویر درباره محصولات یا خدمات یک شرکت در ذهن مشتری است، در حقیقت یک روش است برای تعریف محصولات یا خدمات به طوری که نیازهای مشتری را ارضا کند.

نماینده تولیدکننده اصلی در بازار خارجی است. در میان شیوه‌های عرضه خدمات توزیع، این شیوه اهمیت خاصی دارد و این موضوع، نشان‌دهنده تمایل اعضا برای جلب سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری، ایجاد اشتغال و کاهش وابستگی به واردات خدمات توزیع است.^۱

۴. شیوه حضور اشخاص حقیقی:^۲ در این روش، عرضه‌کننده خدمات توزیع یا کارکنانش، شخصاً در یک کشور خارجی عضو، حضور یافته و به ارائه خدمات توزیع می‌پردازد. برای مثال، یک تولیدکننده خارجی برای بازاریابی و جلب مشتری بیشتر و انعقاد قراردادهای تجاری، از طریق حق‌العمل کار خود به عرضه خدمات در کشور عضو دیگر می‌پردازد.^۳ در میان شیوه‌های عرضه خدمات توزیع، شیوه حضور اشخاص حقیقی، چندان مورد استقبال کشورهای توسعه یافته قرار نگرفته است؛ زیرا معتقدند که تشریفات اداری برای حضور موقت اشخاص حقیقی، گاه بسیار دست‌وپا گیر است و بسیاری از عرضه‌کنندگان خدمات توزیع که برای حضور موقت در بازار کشور دیگر عضو، خود را با تشریفات طولانی اداری کشور میزبان مواجه می‌بینند، از حضور منصرف شده و به دیگر شیوه‌های عرضه خدمات روی می‌آورند. این تشریفات طولانی فقط مناسب مواردی است که عرضه‌کننده خدمات توزیع، قصد اقامت دائم در کشور میزبان را دارد؛ دیگر اینکه ارائه‌دهنده خدمات توزیع، در برخی موارد برای ورود موقت و اخذ مجوز کار برای کارکنان خود برای کار در بازار خارجی (بازار کشور میزبان)، با شروط خاصی از سوی دولت میزبان روبه‌رو می‌شود؛ برای مثال، دولت مزبور صدور چنین مجوزهایی را غالباً منوط به بررسی نیازهای اقتصادی و ظرفیت‌های عملی بازار داخلی می‌کند و لزوم طی شدن این تشریفات، بسیاری از عرضه‌کنندگان حقیقی خدمات را از توسل به شیوه چهارم بازمی‌دارد.^۴

۱. مرکز تجارت بین‌المللی آنکتاد و (WTO)، پیشین، ۲۹.

2. Presence of Natural Person

۲. در خصوص شیوه مذکور، گنس به قید حضور موقت و غیرمقیم عرضه‌کننده خدمات در کشور خارجی اشاره نکرده است، با این حال، در یکی از ضمایم گنس یعنی «ضمیمه مربوط به انتقال اشخاص حقیقی عرضه‌کننده خدمات تحت پوشش موافقتنامه» مقرر شده است که شیوه مورد بحث فقط ناظر به اقامت موقت اشخاص حقیقی بوده و شامل افرادی نمی‌شود که در جستجوی استخدام دائم هستند. همچنین در جدول تعهدات کشورها برای الحاق به سازمان تجارت جهانی، در مورد این شیوه عرضه خدمات، از قید «موقت» استفاده شده است. بر اساس بند ۲ این ضمیمه، «موافقتنامه حاضر در مورد اقدامات مؤثر بر اشخاص حقیقی که در صدد دسترسی به بازار کار یک عضو هستند و اقدامات مربوط به تابعیت، اقامت یا اشتغال دائمی، قابل اعمال نخواهد بود.» همچنین مطابق بند ۴ این ضمیمه: «موافقتنامه حاضر مانع یک عضو از اجرای اقداماتی برای تنظیم ورود یا اقامت موقت اشخاص حقیقی به قلمروش، از جمله اقدامات ضروری برای حراست از مرزهایش و تضمین جابه‌جایی منظم اشخاص حقیقی در این مرزها نخواهد گردید، مشروط بر اینکه اقدامات مزبور به گونه‌ای به اجرا در نیایند که مزایای متعلق به هر عضو به موجب شرایط یک تعهد خاص لطمه دیده یا از میان بروند.» چنان‌که مشاهده می‌شود قید موقت در ضمیمه تعریف نشده و معیاری نیز برای شناسایی آن ارائه نگردیده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مدت اقامت موقت عرضه‌کننده خدمات در هر مورد خاص، برحسب نوع و طبیعت خدمت، نوع روادید، عرف تجاری یا مفاد قرارداد منعقد شده و قوانین واقعی کشورها در ارتباط با اقامت موقت یا دائم تعیین می‌گردد.

۴. با این حال، کشورهای عضو گاه برای رفع این مانع، در موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه راجع به تجارت آزاد، توافق

قسمت دوم - بررسی مفاد اصول گتس در بخش خدمات توزیع

گتس برای آنکه به هدف اصلی خود در عرصه خدمات یعنی آزادسازی دست یابد، یک سلسله اصول کلی را بر قانونگذار کشورهای عضو تحمیل می‌کند تا آنها ساختار قضایی و اداری خود را با این اصول منطبق سازند؛ اهمیت این انطباق از آن‌روست که برخلاف حوزه کالا که موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، مانع اصلی بر سر راه تجارت آزاد محسوب می‌شود، در حوزه خدمات از جمله خدمات توزیع، مقررات و تشریفات قانونی و اداری دست‌وپا گیر، مانع اصلی است.^۱ برای رفع این مانع، گتس مجموعه‌ای از اصول کلی را بر خدمات توزیع بار کرده است؛ با این حال، تمام این اصول از حیث میزان التزام کشورهای عضو آن در یک سطح قرار ندارند؛ از این‌رو، می‌توان آنها را به دو دسته اصول غیرقابل انعطاف و غیرقابل مذاکره و اصول قابل انعطاف و مذاکره تقسیم کرد که در ادامه، به اهم این اصول و تبیین مفاد آن خواهیم پرداخت:

دسته نخست - اصول غیرقابل انعطاف

اصول غیرقابل انعطاف چنان‌که از نامش پیداست ناظر به اصولی است که کشورهای متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی نمی‌توانند بر آن استثنایی وارد کنند و در خصوص حیطة اعمال آن مذاکره کنند، از این‌رو میزان التزام دولت‌ها به این اصول، به یک اندازه است و به همین علت است که به این دسته اصول «الزامات عمومی»^۲ نیز اطلاق می‌شود. این اصول متعدّدند. با این حال، اصل دولت کامله‌الوداد و اصل شفافیت از بقیه مهم‌ترند؛ لذا در ادامه به بیان مفاد این دو اصل در زمینه خدمات توزیع خواهیم پرداخت:^۳

۱. اصل دولت کامله‌الوداد:^۴ اصل دولت کامله‌الوداد - به عنوان یکی از مظاهر اصل عدم تبعیض^۵ - جزء یکی از مهم‌ترین اصول سازمان جهانی تجارت و گتس است. مفاد

می‌نمایند که برخی عرضه‌کنندگان خدمات از جمله ارائه‌دهندگان خدمات بانکی بتوانند بدون ضرورت انجام بررسی‌های نیاز اقتصادی و صرفاً با عقد قرارداد خدمات، مجوز کار دریافت کنند.

1. Key Sydney, "Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financial Services", *Int'l Affairs*, vol.75. 1999, 61, 65-66.

2. General Obligations

۳. غیر از اصل دولت کامله‌الوداد و اصل رعایت شفافیت، سایر اصول غیرقابل انعطاف مذکور در گتس عبارت‌اند از: مقررات داخلی، انحصارات، رویه‌های بازرگانی و افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه. برای مطالعه در زمینه مفاد این اصول، نک: موافقتنامه عمومی تجارت خدمات؛ محسن صادقی و بهنام غفاری فارسانی، «آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر حمل‌ونقل جاده‌ای»، طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه مطالعات و پژوهش‌های حقوق اقتصادی و بازرگانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶).

4. Most-Favored-Nation Treatment (MFN)

5. Principle of Non-Discrimination

مظهر دیگر این اصل، اصل رفتار ملی است که در بخش تعهدات خاص، به تفصیل خواهد آمد.

این اصل در زمینه خدمات توزیع می‌گوید: «هر عضو سازمان جهانی تجارت در مورد هر یک از خدمات توزیع مشمول موافقتنامه گتس شامل حق‌العمل‌کاری،^۱ عمده‌فروشی،^۲ خرده‌فروشی،^۳ فرانسیز^۴ و سایر خدمات،^۵ فوراً و بدون قید و شرط رفتاری را در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات توزیع در پیش خواهد گرفت که از رفتار متخذه در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات توزیع مشابه هر کشور دیگر نامطلوب‌تر نباشد.^۶ بر این اساس، اگر یکی از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، امتیازی را در بخش خدمات توزیع در اختیار کشور عضو دیگر قرار دهد برای مثال خدمات توزیع، اگر یک آلمانی مستقر در آن کشور را از مالیات معاف کند، این امتیاز خودبه‌خود به سایر کشورها هم تسری می‌یابد تا از این طریق، تبعیضی بین اعضای سازمان پیش نیاید.

نکته مهم در مورد اصل دولت کامله‌الوداد این است که هر چند اصل مزبور، اصلی بی‌قید و شرط و غیرقابل انعطاف بوده و امکان اعمال استثنائاتی بر آن در مذاکرات وجود ندارد، اما: نخست اینکه اعضا می‌توانند در جدول تعهداتی که در حین مذاکرات الحاق تنظیم می‌کنند، به منظور تسهیل مبادلات، خدمات توزیع در محدوده مناطق مرزی مجاور، امتیازاتی را به کشورهای همسایه اعطا کنند؛ بی‌آنکه این امتیاز به سایر اعضا تسری یابد (بند ۱ ماده ۲ موافقتنامه)؛

دوم آنکه کشورهای متعاقد موافقتنامه‌های دوجانبه و چندجانبه، می‌توانند محدودیت‌های خاصی را در روابط فی‌مابین برقرار سازند؛ برای مثال در متن موافقتنامه درج شود که مقررات مندرج در موافقتنامه گتس، مانع اجرای محدودیت‌ها و کنترل‌های وضع شده تحت مقررات ملی بر مبنای مذهب، اخلاق عمومی، امنیت ملی، بهداشت یا سلامت عمومی نخواهد شد؛ سوم هم نیز کشورها می‌توانند در حین مذاکره، موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه خود در زمینه خدمات بانکی را در جدول تعهدات خود درج و آنها را از شمول اصل دولت کامله‌الوداد مستثنا نمایند.

ذکر معافیت‌های مذکور از طرف کشورهای در حال الحاق، این پرسش را مطرح می‌کند که اگر این اصل در برخی موارد استثنا می‌پذیرد، تفاوت آن با اصول قابل انعطاف - که

1. Commission Agents' Services

2. Wholesale Trade Services

3. Retailing Services

4. Franchising

5. Other

۶. طبق بند ۱ ماده ۲ گتس: «هر عضو در مورد هر اقدام مشمول موافقتنامه حاضر، فوراً و بدون قید و شرط رفتاری را در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات هر عضو دیگر در پیش خواهد گرفت که از رفتار متخذه در مورد خدمات و عرضه‌کنندگان خدمات مشابه هر کشور دیگر نامطلوب‌تر نباشد».

کشورها می‌توانند استثنائاتی بر برخی اصول وارد کنند - چیست؟ در پاسخ به این پرسش مهم باید گفت که در اصل دولت کاملاً الوداد، مصادیق و نوع استثنائات از قبل مشخص است؛ در حالی که در خصوص اصول قابل انعطاف، یک عضو می‌تواند در جریان مذاکره، محدودیت‌ها و استثنائاتی را در جداول خود شرح دهد و در نتیجه، نوع و میزان این استثنائات از قبل مشخص نیست و فقط در جریان مذاکرات میان طرفین مذاکره مشخص خواهد شد.

۲. اصل تعهد به رعایت شفافیت:^۱ از آنجا که بخش خدمات به طور کلی و خدمات توزیع به طور خاص، نوعاً دارای قوانین بسیار متنوعی است و فعالان این حوزه بدون اطلاع از کلیه اطلاعات اداری و قانونی در این مورد نمی‌توانند با اطمینان کافی به فعالیت در این حوزه بپردازند و خود را با این قوانین تطبیق دهند، بنابراین گتس برای اطلاع بازرگانان از قوانین و رویه‌های اداری ملی اعضا در این بخش خدمات، کشورهای عضو را مکلف کرده تا مقررات مربوطه، رویه‌های اداری (مانند نحوه اخذ مجوز برای تأسیس حق العمل کاری) و رویه‌های قانونی و تغییرات و تحولات آن را در دسترس سایر اعضا قرار دهند تا اعضا در محیطی شفاف و با ثبات در خصوص سرمایه‌گذاری خدمات توزیع در سایر کشورهای عضو تصمیم‌گیری کنند. این تعهد که به اصل شفافیت معروف است، در مواد ۳ و ۴ گتس مورد تصریح قرار گرفته و برای تحقق آن، دو الزام از سوی گتس مقرر شده است:

یکم - کشورهای عضو مکلف شده‌اند تا پایگاه‌های اطلاع‌رسانی را تأسیس کرده و قوانین و مقررات راجع به خدمات توزیع را منتشر سازند تا دیگر اعضا بتوانند از طریق این پایگاه‌ها، از قوانین و مقررات داخلی مؤثر بر تجارت خدمات توزیع مندرج و تغییر احتمالی آنها مطلع شوند؛

دوم - کشور متقاضی الحاق نیز مکلف‌اند به پرسش‌های متعددی که از طرف اعضای گروه کاری خدمات سازمان جهانی تجارت در مورد ابعاد مختلف خدمات توزیع در کشور متقاضی می‌شود، به طور تفصیلی پاسخ دهند. نمونه‌ای از موارد مورد درخواست گروه کاری الحاق که می‌تواند مورد توجه گروه مذاکره‌کننده ایرانی نیز قرار گیرد عبارت‌اند از:

۱. روادید، پروانه کار، معیارهای اعطای مجوز فعالیت، هزینه‌ها؛
 ۲. استعلام شرایط تعیین صلاحیت و الزامات قانونی برای ثبت نهادهای متقاضی ثبت همراه با مراکز تخصصی ثبت در کشور متقاضی؛

۳. اطلاعات راجع به قوانین رژیم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش خدمات توزیع و طرح پرسش‌هایی راجع به اینکه چرا برخی بخش‌ها به روی سرمایه‌گذاری خارجی بسته شده است یا محدودیت‌ها و شرایط صلاحیتی خاصی وضع شده است؛

۴. انواع اشخاص حقوقی و قالب‌های حقوقی آنها؛
۵. خصوصی‌سازی بخش خدمات توزیع؛
۶. الزامات و قواعد حاکم بر بخش‌های انحصاری و عرضه‌کنندگان انحصاری خدمات توزیع؛
۷. نحوه و امکان استفاده از زمین دولت میزبان از طرف ارائه‌دهندگان خدمات توزیع خارجی؛
۸. میزان آزادی یا محدودیت‌هایی که دولت میزبان سرمایه برای خروج اصل و منافع سرمایه به خارج از کشور مقرر داشته است؛
۹. رژیم و معافیت‌های مالیاتی.^۱

دسته دوم - اصول قابل انعطاف

دسته دوم اصول گنس، به اصول قابل انعطاف موسوم‌اند، زیرا برای اعضا این امکان وجود دارد که محدودیت‌ها و استثنائاتی را بر این اصول وارد کرده و این استثنائات را در جدول تعهدات خاص خود بگنجانند؛ در نتیجه، هر چه میزان استثنائات و قیود وارد بر تعهدات خاص، کمتر باشد، میزان تعهد آن کشور به تعهدات مزبور، بیشتر خواهد بود.^۲ قابلیت مذاکره کشورها در خصوص این اصول باعث شده تا میزان تعهد هر عضو، خاص همان کشور باشد؛ بنابراین تعهدات هر کشور می‌تواند با دیگر کشورها متفاوت باشد و بر این اساس، این اصول را «تعهدات خاص»^۳ نیز می‌نامند. البته باید گفت که استثنای پذیر بودن اصول فوق به این معنا نیست که کشورها می‌توانند در مذاکرات الحاق، خود را به طور کلی از رعایت این دو اصل مستثنا نمایند، بلکه مراد آن است که کشورها مکلف‌اند حداقلی از این اصول را مراعات کرده، اما گستره این اصول می‌تواند از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد.

اصول انعطاف‌پذیر مقرر در گنس عبارت‌اند از: اصل دسترسی به بازار^۴ و اصل رفتار ملی.^۵ البته این دو اصل، در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت راجع به کالا نیز اعمال می‌شود؛^۶ اما از آنجا که کشورهای در حال توسعه در زمان بحث در خصوص

1. See: Mashayekhi Mina, *Services, Development and WTO Accession: Strategic Considerations*, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006, 23-24.

2. Houtt, *The Law of International Trade*, (London: Sweet & Maxwell, 2002), 10 and seq.

3. Special Commitments

4. Market Access

5. National Treatment

۶. نک: محمدجواد ایروانی، ترجمه سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳).

درج اصل‌های مزبور در بخش خدمات، مخالفت خود را با آن اعلام کرده و اعمال این اصل بر خدمات را موجب از بین رفتن تدریجی نیروی داخلی خود می‌دانستند، لذا کشورهای توسعه یافته به منظور همگام ساختن کشورهای مخالف با خود - پذیرفتند که اصل مزبور با امکان اضافه کردن قید و شرط بر آن - وارد حوزه خدمات از جمله خدمات توزیع گردد.^۱

پس از این توضیح مقدماتی، لازم است تا در قالب بندهای ۱ و ۲، مفاد این دو اصل را در مورد خدمات توزیع بررسی و در بند ۳، به تجربه ۲۵ کشور ملحق شده به سازمان جهانی تجارت در زمینه خدمات توزیع اشاره شود:

۱. اصل دسترسی به بازار

منظور از اعمال اصل دسترسی به بازار در بخش خدمات توزیع آن است که اعضای سازمان جهانی تجارت مکلف‌اند تا امکان حضور و فعالیت عرضه‌کنندگان خارجی خدمات توزیع را در بازارهای داخلی خود تسهیل نموده و محدودیت‌ها و موانع غیرضروری دسترسی را تا حد امکان کاهش داده یا حذف نمایند. درواقع، مطابق اصل دسترسی به بازار، کشورهای عضو ناگزیر شده‌اند که سیاست محدود کردن دخالت دولت در وضع مقررات محدودکننده رقابت را در پیش گیرند. به تعبیر دیگر، گتس به این دلیل بر اصل مزبور تأکید می‌کند که یکی از ابزارهای مؤثر آزادسازی تدریجی و افزایش رقابت در بخش خدمات از جمله خدمات توزیع، رفع محدودیت‌های دسترسی به بازار داخلی اعضاست؛^۲ پس این موافقتنامه در ماده ۱۶ خود به اصل مزبور اشاره می‌دارد و در عین حال اعضا را ملزم می‌کند که با دادن حق دسترسی به بازار به یک عضو، سایر اعضا نیز باید از این امتیاز بهره‌مند باشند؛ بنابراین رفتار اتخاذ شده از سوی آن کشور در قبال ورود خدمات توزیع سایر اعضا نباید نامطلوب‌تر از تعهد مندرج در جدول آن کشور باشد. گتس در ماده ۱۶، رفتارهای مغایر یک کشور با اصل دسترسی به بازار در حوزه خدمات از جمله خدمات توزیع را نام برده است که عبارت‌اند از: چهار نوع محدودیت کمی (مشتمل بر تعداد عرضه‌کنندگان خدمات، کل ارزش مبادلات، تعداد کل عملیات و تعداد اشخاص حقیقی) و دو محدودیت کیفی (حاوی مشارکت سرمایه خارجی و محدودیت واحدهای حقوقی). بنابراین یک کشور نمی‌تواند قانونی را تصویب یا اجرا کند که حاوی رفتارهای مغایر اصل دسترسی به بازار در حوزه خدمات توزیع و زیربخش‌های

1. See: Mashayekhi Mina, Services and Development, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006, 1.

2. Mashayekhi Mina, Services, Development and WTO Accession: Strategic Considerations, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006, 26.

آن شامل حق العمل کاری، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، فرانسیز و سایر خدمات باشد، مگر آنکه بتواند در مذاکرات حین الحاق، موافقت طرف‌های مذاکره را برای درج این استثنائات به دست آورد و موارد فوق را به عنوان استثنا بر اصل دسترسی به بازار، در جدول تعهدات خاص درج کند.^۱ برای نمونه تأسیس بنگاه‌های عمده‌فروش فقط باید در قالب سرمایه‌گذاری مشترک (JV)^۲ یعنی با مشارکت بنگاه خارجی با بنگاه داخلی باشند در غیر این صورت اجازه تأسیس صادر نمی‌شود.

۲. اصل رفتار ملی

اصل رفتار ملی برخلاف اصل دسترسی به بازار، در داخل مرزهای کشور عضو اعمال می‌شود یعنی ابتدا اصل دسترسی به بازار در مرزها اعمال شده و بخش خدمات توزیع سایر کشورها اجازه ورود به داخل کشور دیگر را پیدا می‌کنند و سپس نوبت به مرحله اعمال اصل رفتار ملی می‌رسد. مطابق این اصل که در ماده ۱۷ گنس پذیرفته شده است، کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت مکلفاند تا در مواجهه با ارائه‌دهنده خدمات توزیع خارجی و داخلی، رفتار یکسانی داشته باشند و برای رقبای خارجی نسبت به بخش داخلی، وضع نامطلوب‌تری ایجاد نکنند. مفاد این اصل علاوه بر آنکه ناظر به ارائه‌دهندگان خدمات توزیع است، ناظر به نوع خدمات ارائه شده هم هست، به این معنا که اعطای امتیازات ویژه برای خدمات توزیع ایرانی نسبت به نمونه مشابه خارجی نیز با این اصل مغایر است. فلسفه وضع این اصل آن است که در تجارت آزاد که بازار، تعیین‌کننده اصول رقابت بوده و افراد فعال تر در بازار برنده‌اند، نباید تبعیض‌های دولت کشور میزبان، این فضای رقابت را مخدوش ساخته و دولت مزبور، با اعطای امتیاز به بخش داخلی یا اعمال محدودیت‌هایی برای رقبای خارجی، کفه ترازو را به نفع بخش داخلی سنگین کند.^۳ برای مثال، اگر یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی، بنگاه‌های داخلی عرضه‌کننده خدمات فرانسیز را از معافیت مالیاتی برخوردار سازد، در حالی که بنگاه‌های خارجی یا شعب آنها که در

1. Footer Mary E., "Global and Regional Approaches to the Regulation of Trade in Services", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol.43, No.3 (Jul.1994), 669 & 670.

2. Joint Venture

در برخی نوشته‌های فارسی، معادل فارسی (JV) را «مشارکت انتفاعی» قرار داده‌اند (برای مثال، نک: کلایو اشمیتوف، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، جلد اول (تهران: سمت، ۱۳۷۸)، و ولی‌الله احمدوند، «وضعیت حقوقی راهبر در قراردادهای مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر) بین‌المللی» (رساله دکتر، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶) با این حال نویسندگان این مقاله، با توجه به کلمه (venture) اصطلاح «سرمایه‌گذاری مشترک» را مناسب‌تر تشخیص داده‌اند.

3. UNCTAD and WTO Secretary, *Business Guide to the General Agreement on Trade in Services*, Revised Edition, ITC, (Geneva: ITC/CS, 2002), 62.

آن کشور فعالیت مشابه دارند، از این معافیت برخوردار نباشند، آن کشور اصل رفتار ملی را نقض کرده است، زیرا برای اتباع داخلی خود، وضع مطلوب‌تری نسبت به اتباع خارجی قائل شده است مگر آنکه این کشور در حین مذاکرات الحاق توانسته باشد امکان این معافیت را از کشورهای طرف مذاکره بگیرد و به دیگر سخن، استثنای مزبور را بر اصل رفتار ملی بار کرده باشد و آن را در ستون سوم جدول تعهدات درج کند. برخی از انواع این استثنائات عبارت‌اند از: اعطای تخفیف یا معافیت‌های مالیاتی به اتباع داخلی، الزام به اقامت دائم یا تحصیل تابعیت برای اتباع خارجی به منظور تملک زمین، شرایط متفاوت صدور مجوز فعالیت توزیع، اجازه یا تجدید شرایط ویژه برای ورود تجهیزات بدون عوارض گمرکی، دادن حق شرط به افراد و اشخاص نسبت به نوع یا حجم خاصی از فعالیت‌های تجاری و مشروط ساختن اعمال اصل رفتار ملی برای بنگاه‌های خارجی به انتقال مهارت‌ها، دانش فنی، آموزش و به کارگیری کارکنان داخلی در بنگاه‌های خود.^۱

۳. نگاهی به تجربه ۲۵ کشور ملحق شده به سازمان جهانی تجارت (از ۱۹۹۵ به بعد)

در زمینه تعهدات آزادسازی خدمات توزیع

علت ذکر این تجربیات آن است که گروه مذاکره‌ای ایران، فضای حاکم بر مذاکرات سازمان جهانی تجارت در بخش خدمات توزیع را دریابد و از میزان و احتمال موفقیت در حفظ مواد مغایر با اصول سازمان مطلع شود.

تمامی ۲۵ کشوری که از اعضای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت‌اند، متعهد به آزادسازی تجارت خدمات توزیع شده‌اند. به عبارت دیگر صد درصد اعضای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت هستند، متعهد به آزادسازی تجارت خدمات توزیع شده‌اند. بنابراین تجربه کشورهای ملحق شده نشان‌دهنده عدم امکان استثناکردن بخش خدمات توزیع از تعهدات آزادسازی تجاری در فرایند الحاق است.

جدول (۱) وضعیت جدول تعهدات بخش خدمات توزیع کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت را نشان می‌دهد. مطابق با این جدول تمامی ۲۵ کشور مزبور (به استثنای اکوادور که در شیوه اول عرضه خدمات متعهد به آزادسازی تجارت خدمات توزیع نشده است)، در سه شیوه اول عرضه خدمات متعهد به آزادسازی تجاری شده‌اند. همچنین تمام کشورهای ملحق شده در شیوه چهارم عرضه خدمات (حضور

1. WTO, An Introduction to the General Agreement on Trade in Services (GATS), (WTO Secretariat, 1999), 11 and seq.

اشخاص حقیقی) هیچ‌گونه تعهد آزادسازی تجاری به استثنای موارد ذکر شده در جدول افقی متقبل نشده‌اند.

هر چند که تمام ۲۵ عضو ملحق شده به سازمان جهانی تجارت متعهد به آزادسازی تجارت خدمات توزیع شده‌اند، با این وجود چهار کشور (اکوادور، کیپ‌ورد، مغولستان و عربستان) موفق به عدم تعهد آزادسازی در برخی از زیر بخش‌های خدمات توزیع شده‌اند. در میان چهار زیربخش خدمات توزیع فقط زیربخش خدمات عمده‌فروشی است که تمام ۲۵ عضو ملحق شده به سازمان جهانی تجارت متعهد به آزادسازی تجاری آن زیربخش شده‌اند. دو کشور اکوادور و کیپ‌ورد در سه زیربخش دیگر (حق‌العمل کاری، خرده‌فروشی و فرانسیز)، کشور مغولستان در دو زیربخش حق‌العمل کاری و فرانسیز و کشور عربستان در زیربخش حق‌العمل کاری موفق به استثنا کردن آن زیر بخش‌ها از پذیرش آزادسازی تجاری گشته‌اند.

بنابراین در میان چهار زیربخش خدمات توزیع، بالاترین میزان آزادسازی تجاری از نظر تعداد کشورهای متعهد به آزادسازی تجاری به زیربخش خدمات عمده‌فروشی (با متعهد شدن تمام ۲۵ کشور ملحق شده) و پس از آن به ترتیب به زیر بخش‌های خرده‌فروشی و فرانسیز (با ۲۳ و ۲۲ کشور) تعلق دارد. در میان چهار زیربخش خدمات توزیع زیربخش حق‌العمل کاری نیز با کمترین میزان آزادسازی تجاری از نظر تعداد کشورهای متعهد به آزادسازی تجاری (۲۱ کشور) برخوردار است.

از آنجا که کشورهای اکوادور و مغولستان در سال‌های اولیه پس از تأسیس سازمان جهانی تجارت (۱۹۹۶ و ۱۹۹۷) به این سازمان ملحق شدند و کشور کیپ‌ورد بسیار کوچک است، فقط می‌توان کشور عربستان را با استثنا کردن تنها زیربخش حق‌العمل کاری، مهم‌ترین استثنای موجود در عدم تعهد آزادسازی تجاری برشمرد. بنابراین با توجه به تجربه کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت چنین استنباط می‌شود که نه تنها امکان استثنا شدن بخش خدمات توزیع از پذیرش آزادسازی تجاری وجود ندارد، بلکه امکان استثنا شدن چهار زیربخش اصلی خدمات توزیع نیز بسیار بعید و مشکل است. با این وجود با مروری بر جدول تعهدات کشورهای مزبور مشاهده می‌شود که میزان پذیرش تعهدات آزادسازی تجاری در برخی از این کشورها به شکل کامل و صددرصدی نبوده و برخی از آنها متعهد به آزادسازی‌های محدود شده‌اند.^۱

۱. برای مطالعه تفصیلی در مورد جدول تعهدات این کشورها، نک:

http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm; last visited: 07/10/2012.

جدول ۱. وضعیت تعهدات کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت

در بخش خدمات توزیع

| نام کشورها | سهام در کل کشورهای ملحق شده (درصد) | شمار | |
|--|------------------------------------|------|---|
| اکوادور، بلغارستان، مغولستان، پاناما، قرقیزستان، لتونی، استونی، اردن، گرجستان، آلبانی، عمان، کرواسی، لیتوانی، مولداوی، چین، تایوان، ارمنستان، مقدونیه، نپال، کامبوج، عربستان، ویتنام، تونگا، اکراین و کیپورد | ۱۰۰ | ۲۵ | کشورهای متعهد شده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع |
| تمام ۲۵ کشور فوق به استثنای کشور اکوادور | ۹۶ | ۲۴ | کشورهای متعهد در آزادسازی تجارت خدمات توزیع در شیوه اول |
| تمام ۲۵ کشور فوق | ۱۰۰ | ۲۵ | کشورهای متعهد در آزادسازی تجارت خدمات توزیع در شیوه دوم |
| تمام ۲۵ کشور فوق | ۱۰۰ | ۲۵ | کشورهای متعهد در آزادسازی تجارت خدمات توزیع در شیوه سوم |
| - | . | . | کشورهای متعهد در آزادسازی تجارت خدمات توزیع در شیوه چهارم |
| - | . | . | کشورهای متعهد نشده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع |
| تمام ۲۵ کشور فوق به استثنای چهار کشور اکوادور، مغولستان، عربستان و کیپورد | ۸۴ | ۲۱ | کشورهای متعهد شده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع (در زیربخش حق العمل کاری) |
| تمام ۲۵ کشور فوق | ۱۰۰ | ۲۵ | کشورهای متعهد شده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع (در زیربخش عمده فروشی) |
| تمام ۲۵ کشور فوق به استثنای دو کشور اکوادور و کیپورد | ۹۲ | ۲۳ | کشورهای متعهد شده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع (در زیربخش خرده فروشی) |
| تمام ۲۵ کشور فوق به استثنای سه کشور اکوادور، مغولستان و کیپورد | ۸۸ | ۲۲ | کشورهای متعهد شده در آزادسازی تجارت خدمات توزیع (در زیربخش فرانشیز) |

بخش دوم - اهم مغایرت‌های مقررات توزیع ایران در مواجهه با اصول گتس

در شرایط کنونی نظام توزیع کشور از مشکلاتی نظیر:

۱. نبود آمار و اطلاعات کافی در خصوص فرایندهای توزیع؛
۲. نامطمئن و غیررسمی بودن بخش قابل توجهی از حمل و پخش کالا در شبکه توزیع؛
۳. تعدد واحدهای صنفی در سطح خرده‌فروشی؛
۴. نبود نماینده کشوری در رشته‌های مختلف حوزه اصناف کشور؛
۵. عدم امکان تعامل کشوری میان اصناف برای استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های صنفی (با رویکرد توسعه صادرات و تنظیم بازار)؛
۶. بالا بودن هزینه‌های شبکه توزیع کالا؛
۷. ناهمسانی نظام کدینگ کالایی بین مبادی ورود و شبکه توزیع داخلی و

۸. عدم برخورداری از تشکل‌های غیردولتی حمایت از حقوق مصرف‌کننده با وجود تصریح این نهادها در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ رنج می‌برد؛ در این میان، وجود برخی مقررات مغایر با استانداردهای بین‌المللی نیز بر حجم مشکلات افزوده است. چنان‌که در مقدمه مقاله اشاره شد وضعیت مقررات توزیع ما از حیث انطباق یا مغایرت با اصول گتس باید مورد بررسی علمی قرار گرفته و در موارد مغایر، راهکارهای مناسب و عملی به گروه‌های ذی‌نفع و بهره‌بردار پیشنهاد شود، زیرا کشور ایران که قصد الحاق به سازمان مذکور را دارد، مطابق مقررات این سازمان، باید قوانین و مقررات داخلی خود را با اصول و قواعد سازمان مزبور سازگار سازد. این راهکارهای مشخص و کاربردی می‌تواند راهنمای مناسبی برای قانونگذار برای رفع مغایرت‌ها و اصلاح قوانین ایران برای الحاق به این سازمان و الگویی قابل استفاده برای گروه مذاکره‌کننده ایرانی در بخش خدمات توزیع و زیر بخش‌های آن باشد؛ وانگهی دست‌اندرکاران خدمات توزیع کشور را نیز با فضای قانونی ایران بعد از الحاق آشنا می‌سازد تا از هم‌اکنون تمهیدات اقتصادی مناسب را برای افزایش قدرت رقابتی بخش داخلی در مواجهه با رقبای قدرتمند خارجی اتخاذ نمایند.

به این منظور، مطالب این بخش در دو قسمت ارائه خواهد شد: در قسمت نخست، مهم‌ترین مقررات توزیع ایران که با اصل دسترسی به بازار مغایرند و در قسمت دوم، مهم‌ترین مقررات مغایر با اصل رفتار ملی تشریح شده و ضمن تبیین علت مغایرت، راهکار روشنی پیشنهاد می‌شود. گفتنی است که علت محدود شدن مطالب این بخش به اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی آن است که در حوزه خدمات به طور کلی و خدمات توزیع به طور جزئی، این دو اصل اهمیتی بیشتر از سایر اصول گتس دارند؛ همچنین به لحاظ قابلیت انعطاف‌شان، در جدول تعهدات کشورها و برای گروه مذاکره‌ای اعضا، جایگاه ویژه‌ای دارند،

اما پیش از ورود به بحث، ذکر این توضیح ضروری است که صرف ذکر هر محدودیتی در مقررات کشور، نشان دهنده مغایرت آن با الزامات سازمان جهانی تجارت نیست، زیرا موافقتنامه گتس به طور ضمنی، محدودیت‌های مقرر در قوانین و رویه‌های اداری کشورهای عضو را به دو دسته متعارف و غیرمتعارف تقسیم کرده و فقط محدودیت‌های نامتعارف را مغایر دانسته و بر حذف آنها تأکید دارد و گرنه محدودیت‌هایی مثل ضرورت اخذ مجوز از نهاد خاص برای تأسیس فروشگاه عمده‌فروشی هر چند نوعی محدودیت است؛ اما در همه کشورهای نوعی محدودیت متعارف به شمار می‌آید. بر این اساس مقرراتی مانند ماده ۴۳ مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۷۶/۵/۱۱) که صدور پروانه اشتغال برای اتباع خارجی [از جمله اتباع خارجه ارائه‌دهنده خدمات توزیع] را به تشخیص و درخواست سازمان مناطق و توسط واحد کار و خدمات اشتغال در منطقه می‌دهد یا آیین‌نامه تأسیس و نحوه عملکرد شرکت‌های پخش دارویی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۸۷/۶/۱۱) که توزیع دارو در کشور را فقط از طریق شرکت‌های پخش دارویی سراسری یا شرکت‌های پخش دارویی استانی میسر نمی‌داند که دارای مجوز قانونی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی‌اند و این مسأله به خودی خود یک محدودیت متعارف محسوب می‌شود، زیرا در کشورهای دیگر نیز توزیع محصولات مهمی چون دارو بدون نظارت مقامات صالح از جمله وزارت بهداشت انجام نمی‌گیرد.

با عنایات به این توضیح، در ادامه این بخش مقاله، فقط به مقرراتی پرداخته می‌شود که واجد محدودیت نامتعارف برای بخش توزیع خارجی در کشور است.

قسمت نخست - اهم مقررات توزیع ایران مغایر با اصل دسترسی به بازار

مهم‌ترین قوانین مغایر ایران در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. اصل ۸۱ قانون اساسی: بر اساس این اصل: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». چنانچه از اطلاق اصل فوق برمی‌آید دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در کلیه امور خدماتی [و از آن جمله خدمات توزیع] به خارجیان مغایر اصل ۸۱ است و لذا مفاد این اصل کاملاً مغایر اصل دسترسی به بازار و آزادسازی خدمات خواهد بود. با این همه در سال‌های بعد از تصویب قانون اساسی، اقدامات حقوقی در جهت تعدیل اصل ۸۱ انجام شد که می‌توان به دو مورد از مهم‌ترین آنها اشاره داشت:

نخست اینکه اصل مورد بحث، در سال ۱۳۶۰ مورد تفسیر شورای نگهبان قرار گرفته و

مطابق نظر این شورا: «شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران، قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت خود در حدود قرارداد منعقد و طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت ورزند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.»^۱ با لحاظ این تفسیر می‌توان گفت در صورتی که قراردادی میان یک کشور و دولت ایران در زمینه ارائه خدمات توزیع منعقد شود، بنگاه‌های آن کشور قادر خواهند بود تا در حدود مفاد قرارداد و طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، به ثبت شعب خود در ایران مبادرت ورزند.

اقدام دوم اینکه در سال ۱۳۷۶ ماده واحده‌ای به نام قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی به تصویب رسید که امکان ثبت شعبه‌هایی از شرکت‌های خارجی از جمله شعب بنگاه‌های خارجی فعال در زمینه خدمات توزیع را تحت شرایطی خاص می‌دهد. مطابق این ماده واحده: «شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع، می‌توانند در زمینه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود در چارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی خود اقدام کنند.»

با توجه به اقدامات حقوقی فوق ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا هنوز هم می‌توان اصل ۸۱ قانون اساسی را یکی از موانع حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در بخش خدمات توزیع دانست؟ ظاهراً باید پاسخ مثبت باشد، چون:

یکم - گستره قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، محدود بوده و در همه جا راهگشا نیست، زیرا ایران با بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت قرارداد خاصی با شرط رفتار متقابل امضا نکرده و به همین دلیل، امکان حضور و رقابت اشخاص خارجی ارائه‌دهنده خدمات توزیع در ایران بر اساس این تفسیر وجود ندارد که این امر، مطلوب سازمان جهانی تجارت نیست؛

دوم - قلمرو تفسیر شورای نگهبان نیز محدود است، زیرا این تفسیر زمانی کارگشا خواهد بود که نخست دولت متبوع بنگاه خارجی با دستگاه دولتی ایران قرارداد منعقد کرده باشد؛ وانگهی فقط بخواهد شعبه تأسیس کند، بنابراین به استناد این تفسیر نمی‌توان، به خارجیان اجازه تأسیس بنگاه خارجی در ایران داد؛ دوم اینکه کشورهای دیگر عضو این سازمان، در بررسی رژیم تجاری ایران برای عضویت در آن، کلیه مقررات ایران را بررسی می‌کنند، بنابراین با مشاهده اصل ۸۱ قانون اساسی و قراردادن آن در کنار قانون ۱۳۷۶ این ایراد را

۱. حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، دوره اول، تیرماه ۱۳۵۹ - تیرماه ۱۳۶۵ (تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱)، ۴۱-۴۳.

خواهند گرفت که تعارضاتی در این زمینه در نظام حقوقی ایران وجود دارد؛ پس با توجه به ثبات بیشتر قانون اساسی در مقایسه با قوانین عادی، چه بسا این خطر برای بخش خصوصی خارجی وجود داشته باشد که با نسخ شدن قانون ۱۳۷۶، باز هم مفاد اصل ۸۱ قانون اساسی به طور کامل حاکم گردد. از این رو اصلاح مفاد اصل مزبور برای رفع این مانع حقوقی الحاق پیشنهاد می شود. ممکن است گفته شود که چون اصل دسترسی به بازار، جزو اصول قابل انعطاف است، پس شاید گروه مذاکراتی ما بتواند اصل ۸۱ قانون اساسی را به عنوان استثنای اصل دسترسی به بازار در جدول تعهدات خاص ایران وارد کند. با این حال تحقق این احتمال تقریباً غیرممکن است، چون اصل ۸۱ به طور کامل امکان فعالیت خارجی در بخش خدماتی را منع کرده و بقای این اصل با این شرایط مورد پذیرش طرف های تجاری ایران قرار نخواهد گرفت؛ تجربه کشورهای ملحق شده نیز نشان می دهد که طرف های تجاری ذی نفع حاضر نمی شوند از حضور خود در بازار کشور متقاضی الحاق به طور کامل و در تمامی شیوه های عرضه خدمات توزیع منصرف شوند.

۲. دستورالعمل نحوه صدور مجوز و نظارت بر فعالیت شرکت های بازاریابی شبکه ای مصوب ۱۳۸۸/۹/۱۸: مطابق بند ۲ ماده ۱۴ این دستورالعمل: فعالیت شرکت های بازاریابی شبکه ای که محل تأسیس آنها در خارج از کشور باشند، مشروط به تأسیس و ثبت نمایندگی یا شعبه در داخل کشور است. بنابراین شرکت های بازاریابی شبکه ای خارجی که بخواهند در ایران فعالیت حق العمل کاری انجام دهند، فقط باید در قالب شعبه فعالیت کنند که این شرط محدودکننده، مغایر اصل دسترسی به بازار است مگر آنکه در جریان مذاکرات الحاق بتوان این محدودیت را حفظ کرد که احتمال حفظ آن با عنایت به تجربه کشورهای ملحق شده ضعیف است.

۳. آیین نامه ساماندهی فعالیت و نظارت بر فروشگاه های مجازی مصوب ۱۳۸۸.

این آیین نامه دارای چند ماده مغایر است:

یک - بر اساس ماده ۴ این آیین نامه: صدور مجوز فعالیت فروشگاه مجازی عمده فروشی و خرده فروشی برای اشخاص خارجی که محل فعالیت و تأسیس آنها در خارج از کشور باشد، مشروط به ثبت و تأسیس نمایندگی و یا شعبه در داخل کشور با رعایت سایر قوانین و مقررات مربوط به ثبت نمایندگی های خارجی خواهد بود. آنچه در خصوص دستورالعمل مذکور در بند ۲ گفته شد در اینجا نیز صادق است؛ پس از تکرار مطلب خودداری می شود.

دو - طبق ماده ۲-۱ این آیین نامه: اشخاص حقیقی متقاضی برای دریافت مجوز فروشگاه های مجازی عمده فروشی و خرده فروشی باید تابعیت ایرانی داشته باشند. این ماده از آنجا که اجازه حضور اشخاص حقیقی خارجی برای ارائه خدمات عمده فروشی و خرده فروشی

را نمی‌دهد، مغایر اصل دسترسی به بازار است و باید اصلاح شود مگر آنکه در مذاکرات الحاق بتوان طرف‌های مذاکره را بر حفظ آن مجاب کرد که احتمال حفظ آن با عنایت به تجربه کشورهای ملحق شده وجود دارد.

۴. آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت و نظارت بر فروشگاه‌های بزرگ و چند منظوره:
طبق این آیین‌نامه، تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی در قالب فرانسیز (قرارداد عاملیت با مجموعه‌ای از فروشگاه‌های عامل جهت تأمین و توزیع کالا بین آنها تحت مدیریت و برند واحد) مجاز است؛ اما این شرکت‌ها باید در ایران به ثبت رسیده و مدیرعامل آنها باید ایرانی باشد. این ماده نیز از آنجا که اجازه حضور اشخاص حقیقی خارجی برای ارائه خدمات فرانسیز را نمی‌دهد، مغایر اصل دسترسی به بازار است و باید اصلاح شود مگر آنکه در مذاکرات الحاق بتوان طرف‌های مذاکره را بر حفظ آن اقناع کرد که احتمال حفظ آن با عنایت به تجربه کشورهای ملحق شده وجود دارد.

۵. قانون حداکثر استفاده از توان فنی - مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و اجرای تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵: طبق ماده ۳ این قانون: ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی از طرف کلیه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صرفاً به مؤسسات و شرکت‌های داخلی مجاز است و در صورت عدم امکان با پیشنهاد دستگاه اجرایی و تصویب شورای اقتصاد از طریق مشارکت شرکت‌های ایرانی - خارجی مجاز خواهد بود مشروط به اینکه حداقل سهم طرف ایرانی ۵۱ درصد باشد. طرف قرارداد موظف است کلیه لوازم و تجهیزات و خدماتی را که در داخل کشور تولید و ارائه می‌شود یا قابلیت تولید و ارائه دارد؛ مورد استفاده قرار دهد. در هر حال حداقل ۵۱ درصد از ارزش کار باید در داخل انجام پذیرد و کارفرما مکلف است بر این امر نظارت نماید. این ماده از آنجا که اجازه حضور اشخاص خارجی برای ارائه خدمات [از جمله خدمات توزیع] را در فرض وجود بنگاه ایرانی نمی‌دهد، مغایر اصل دسترسی به بازار است و باید اصلاح شود مگر آنکه در مذاکرات الحاق بتوان طرف‌های مذاکره را بر حفظ آن مجاب کرد که احتمال حفظ آن بسیار ضعیف به نظر می‌رسد.

۶. قانون کار مصوب ۱۳۶۹: بر اساس ماده ۱۲۰ این قانون: اشتغال اشخاص حقیقی خارجی در بخش‌های مختلف از جمله خدمات توزیع زمانی مجاز است که در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد. این ماده از آنجا که اجازه حضور اشخاص خارجی برای ارائه خدمات از جمله خدمات توزیع را در فرض وجود شخص حقیقی ایرانی نمی‌دهد، مغایر اصل دسترسی به بازار است، اما احتمال حفظ آن با عنایت به تجربه کشورهای ملحق شده وجود دارد.

قسمت دوم - اهم مقررات توزیع ایران مغایر با اصل رفتار ملی

۱. آیین‌نامه ساماندهی فعالیت و نظارت بر فروشگاه‌های مجازی مصوب ۱۳۸۸: طبق تبصره ۳ ماده ۸ این آیین‌نامه: مدت اعتبار مجوز فعالیت برای اتباع حقوقی جمهوری اسلامی ایران پنج سال و برای فروشگاه‌های مجازی عمده‌فروش و خرده‌فروش خارجی، یک‌سال است که در صورت درخواست دارنده مجوز و رعایت شرایط و ضوابط مقرر در این آیین‌نامه قابل تمدید خواهد بود. این آیین‌نامه از آنجا که برای مجوز تبعه خارجی، قائل به مدت اعتبار کمتری شده است، مغایر اصل رفتار ملی است و باید مدت اعتبار آن با تبعه داخلی برابر شود هر چند احتمال آن ضعیف به نظر می‌رسد.

۲. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰: بر اساس ماده ۲ این قانون: تملک زمین به نام سرمایه‌گذار خارجی در چارچوب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری ممنوع است. به‌رغم این ممنوعیت در مواردی که انجام سرمایه‌گذاری خارجی منجر به تشکیل شرکت ایرانی گردد، تملک زمین به نام شرکت متناسب با طرح سرمایه‌گذاری به تشخیص سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران مجاز است. این ماده از آنجا که به ایرانیان برخلاف خارجی‌های عرضه‌کننده خدمات توزیع، حق تملک زمین را می‌دهد، مغایر اصل رفتار ملی است و باید این محدودیت حذف گردد مگر اینکه در مذاکرات الحاق بتوان طرف‌های مذاکره را بر حفظ آن مجاب کرد؛ همچنان که چین توانست این محدودیت را حفظ نماید.^۱

نتیجه‌گیری

۱. موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گتس) به عنوان موافقتنامه تنظیم‌کننده قواعد حاکم بر تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، به منظور تحقق اهداف اساسی خود از جمله آزادسازی تجارت خدمات، کشورهای عضو را به رعایت دو دسته تعهد ملزم ساخته است: یکی تعهدات عمومی شامل اصولی چون اصل دولت کامله‌الوداد، اصل شفافیت و مانند آن است و از آنجا که میزان التزام دولت‌ها به این اصول، به یک اندازه است، التزام (تعهد) عمومی نامیده می‌شوند. دسته دوم تعهدات، تعهدات خاص نام داشته و حاوی اصول دسترسی به بازار و رفتار ملی است. این اصول از آن‌رو تعهد خاص خوانده می‌شوند که تعهدات کشورهای عضو به آنها متفاوت بوده و امکان مذاکره برای بارنمودن محدودیت‌ها و استثنائاتی بر آنها برای کشورهای در حال الحاق، وجود دارد. کشورهایی که درصدد الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند، مکلف به سازگارسازی سیاست قانونی و اقتصادی خود با

1. Trade in Services, WTO and China, Available at: <http://docsonline.wto.org>. last visited: 01/10/2012.

این دو دسته تعهد هستند. این اصول بر تمامی بخش‌های خدماتی از جمله خدمات بانکی حاکم‌اند، بنابراین تعهد کشورها برای سازگاری، بی‌تردید ناظر به بخش خدمات توزیع خواهد بود. البته فقط آن دسته از خدمات توزیع مشمول اصول و قواعد این سند قرار می‌گیرند:

یکم - وصف تجاری داشته باشند یعنی با هدف تجاری انجام شوند؛

دوم - جنبه بین‌المللی داشته باشند، بنابراین خدمات توزیع که فاقد هیچ عنصر خارجی نیستند، مشمول گتس نمی‌شوند. زیربخش‌های خدمات توزیع تجاری بین‌المللی مشمول گتس عبارت‌اند از: حق‌العمل‌کاری، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، فرانشیز و سایر خدمات.

۲. با توجه به فضای فعلی حاکم بر مذاکرات الحاق، مجاب کردن دیگر اعضای سازمان که طرف مذاکره هستند به اعطای استثنائاتی به نفع ایران، آسان نبوده و هر چه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت دیرتر انجام شده باشد، گرفتن امتیاز از دیگر اعضا، به ویژه کشورهای توسعه یافته و دارای نفع در بازار کشور، دشوارتر می‌نماید.

۳. کشور ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت، مکلف به رفع قوانین مغایر خود در بخش خدمات توزیع با اصول گتس است. البته بسیاری از قوانین و مقررات ما در این بخش با اصول گتس منطبق است؛ با این حال، در قانون اساسی، قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها مواردی از مغایرت‌ها دیده می‌شود. از آنجا که انطباق با اصول گتس باید قبل از الحاق انجام گیرد، بنابراین شناسایی و رفع این نقاط مغایر، ضرورتی انکارناپذیر جلوه می‌کند. بر این اساس جهت فراهم آوردن مقدمات الحاق، قانونگذار ایرانی باید نسبت به اصلاح قوانین ناهماهنگ با اصول گتس در بخش‌های مختلف خدمات توزیع نظیر اصل ۸۱ قانون اساسی، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، قانون حداکثر استفاده از توان فنی - مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور و آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت و نظارت بر فروشگاه‌های بزرگ و چند منظوره اقدام نماید. این قوانین مغایر فقط در صورت موافقت سایر اعضا در حین مذاکره می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که با توجه به سیاست کلی سازمان جهانی تجارت و منافع سایر اعضا در بازار خدمات ایران بخصوص با توجه به تجربه ۲۵ کشور مورد مطالعه، احتمال موافقت طرف‌های مذاکره با ابقای برخی از قوانین مذکور به همین صورت ضعیف است. باید اشاره کرد که این تعهدات آزادسازی می‌تواند مطلق باشد یا نسبی، یعنی ممکن است آزادسازی صددرصد نباشد، مثلاً در برخی شیوه‌ها مثل عمده‌فروشی یا حق‌العمل‌کاری را تعهد آزادسازی ندهیم و در مقابل آن در بخش‌هایی که ممکن است برای ما اهمیت کمتری داشته باشد، تعهد آزادسازی بیشتری دهیم. همچنین در شیوه چهارم ارائه خدمات توزیع، امکان عدم تعهد آزادسازی وجود دارد.

۴. با عنایت به رفع بسیاری از محدودیت‌های دسترسی خارجی‌ان به بازار خدمات ایران و

احتمال حضور رقبای قدرتمند خارجی که با کیفیت بالاتر و قیمتی نازل تر به ارائه خدمات توزیع در بازار کشور می‌پردازند و با توجه به تکلیف کشور به رعایت رفتار مساوی با بنگاه‌های ایرانی و خارجی و ضرورت پرهیز از اعطای امتیاز تبعیض‌آمیز به ارائه‌دهندگان خدمات توزیع داخلی پس از الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت، وزارت صنعت، معدن و تجارت علاوه بر کوشش جهت پیشنهاد اصلاح یا لغو آیین‌نامه‌های مغایر باید با بسترسازی مناسب نظیر نوسازی امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، زمینه ارتقای سطح کیفی خدمات توزیع کشور و ورود سرمایه‌گذاران و عرضه‌کنندگان خدمات خارجی در این بخش را فراهم سازد. همچنین بنگاه‌های ایرانی عرضه‌کننده خدمات توزیع به منظور افزایش ظرفیت قدرت رقابتی، حفظ نسبی بازارهای مالی خود و کاستن خطر حذف از عرصه رقابت باید از هم اکنون، پیش‌بینی‌های لازم برای بقا در این فضای رقابتی را اتخاذ نمایند.

منابع فارسی

۱. امیدبخش، اسفندیار. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان تجارت جهانی، مندرج در مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
۲. ایروانی، محمدجواد، ترجمه سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.
۳. صادقی، محسن و بهنام غفاری فارسانی. آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر حمل‌ونقل جاده‌ای. تهران: گروه حقوق اقتصادی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶.
۴. کمالی اردکانی، مسعود و میترا نصیری. موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، مندرج در: مجموعه آموزشی سازمان تجارت جهانی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
۵. گروه مترجمان، اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۶.
۶. کمالی اردکانی، مسعود و میترا نصیری، ترجمه و تحقیق مرکز تجارت بین‌المللی آنکتاد و (WTO) تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳.
۷. مهرپور، حسین. مجموعه نظریات شورای نگهبان. جلد سوم، دوره اول، تیرماه ۱۳۵۹- تیرماه ۱۳۶۵، (تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱).

منابع لاتین

1. Footer Mary E., "Global and Regional Approaches to the Regulation of Trade in Services", *The International and Comparative Law Quarterly* 3 (1994).

2. Houtt, *The Law of International Trade*, London: Sweet & Maxwell, 2002.
3. Mashayekhi, Mina, *Services, Development and WTO Accession: Strategic Considerations, WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran*, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.
4. Mashayekhi, Mina, "Services and Development", WTO Accession Workshop for Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran, 4-8 March 2006.
5. Sydney, Key, "Trade Liberalization and Prudential Regulation: The International Framework for Financial Services", *Int'l Affairs* 75,(1999): 61, 65-66.
6. "Trade in Services, WTO and China", Available at: http://docsonline.wto.org/GEN_highLightParent.asp, last visited: 01/10/2012.
7. UNCTAD and WTO Secretary, "Business Guide to the General Agreement on Trade in Services", *Revised Edition, ITC*, Geneva: ITC/CS, (2002).
8. *WTO, An Introduction to the General Agreement on Trade in Services (GATS)*, WTO Secretariat, (1999).

Comparative Study between WTO's Obligations on Trade in Distribution Services and Iran Regulations

Mohsen Sadeghi

(Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran)

Mohammad Rasti

(Associate Professor of Commercial Studies & Researches Institute)

Abstract:

As Iran is going to become a member of the WTO, this paper compares Iran's regulations on trade in distribution services with WTO obligations and principles. The major WTO obligations which are compared in the paper are measures and regulations relating to market access and national treatment. Moreover, in order to determine an effective strategy in Iran's accession process to the WTO, the trade in services liberalization commitments of the countries which have acceded to the WTO are studied.

Keywords:

WTO, GATS, Trade in Distribution Services, Iran.